

درباره همه حواشی رهبران جهان

از بی‌اطلاعی سیاسی تا سیاست‌های نژادپرستانه

اخیر بین‌المللی این روزها پر است از اسم چند چهره سیاسی که هر کدام به شکلی خبرساز و پرحاشیه هستند. آنکلا مرکل، صدراعظم آلمان، دونالد ترامپ، نامزد جمهوری‌خواهان برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا و جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا، سه چهره‌ای هستند که با هر حادثه‌ای در جهان سررها به طرفشان می‌چرخد تا از آخرین اظهارنظرها و عکس‌العمل‌هایشان مطلع شوند. البته این شخصیت‌ها در طول زندگی شخصی و سیاسی‌شان نیز حاشیه‌های زیادی داشته‌اند؛ حاشیه‌هایی که برخی از آنها هنوز هم که هنوز است، برای آنها دردسِر‌آفرین است.

آنکلا مرکل، زن خانه‌دار یا ماری در استین؟

آنکلا مرکل، صدراعظم آلمان، امسال توجه کامل رسانه‌ها را به خود جلب کرد. او با سیاست بازکردن مرزهای کشورش روی پناه‌جویان، در معرض تحلیل و تحسین بسیاری از کارشناسان رسانه‌ای و تحلیلگران سیاسی قرار گرفت. تاجایی‌که مجله تایم او را به‌عنوان شخصیت برگزیده سال ۲۰۱۵ انتخاب کرد و تصویر او را روی جلد برد. اکتبر امسال مرکل دهمین سال حضورش به‌عنوان صدراعظم آلمان را جشن گرفت. اما در طول این ۱۰ سال و همچنین قبل از آن، او زندگی پرحاشیه‌ای داشته است. صدراعظم ۶۱ساله آلمان، کودکی خود را در آلمان شرقی گذراند. زیرا کمی بعد از تولد او در ۱۷ جولای ۱۹۵۴، خانواده مرکل به‌دلیل انتصاب پدر خانواده به سمت کشیش به جمهوری دموکراتیک آلمان نقل‌مکان کردند. او بعدها درباره حضورش در آلمان شرقی گفت: «من هرگز احساس نکردم جمهوری دموکراتیک آلمان، خانه و وطن من است».

اگر دیوار برلین در ۱۹۸۹ فرونریخته بود، امروز مرکل یک دانشمند دانشگاهی ناشناس بود. او که به‌دلیل نمرات بالایش در زمان تحصیل، وارد دانشگاه لایپزیک شد تا در رشته فیزیک ادامه‌تحصیل دهد، در زمان فروپاشی شوروی چند سالی بود که فارغ‌التحصیل شده و مشغول کار در آلمان شرقی بود. شبی که دیوار برلین فرو ریخت، پنجشنبه‌شبی عادی برای مرکل بود. او به‌جای اینکه به سیل خروشان جمعیتی بپیوندد که از آلمان شرقی به آلمان غربی می‌روند، مثل هر پنجشنبه‌ی دیگر به سونا رفت و چندی بعد هم که از فرو ریختن دیوار برلین مطلع شد، فقط برای کنج‌کاوِی به آلمان غربی سری زد. در یک کافه یک نوشیدنی خورد و پس از زنگ‌زدن به عمه‌اش که در آلمان غربی زندگی می‌کرد، دوباره به خانه‌اش در آلمان شرقی برگشت. او بعدها مجبور شد به این بی‌اعتنایی‌اش نسبت به رویدادی به این بزرگی پاسخ دهد. اما فقط به این جواب اکتفا کرد: «من در آن زمان یک آدم معمولی بودم که تنها چیزی که برایم مهم بود، این بود صبح روز بعد به‌موقع سر کار برم». اما این اتفاق که مرکل ساده



از کنار آن گذشت، زمینه‌ای را فراهم کرد تا سال‌ها بعد او به یکی از قدرتمندترین رهبران جهان تبدیل شود.

یک ماه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و دیوار برلین، مرکل به‌عنوان داوطلب به حزب «حرکت دموکراتیک»، که حزبی جدیدالتاسیس در آلمان شرقی بود، پیوست تا در زمینه کارهای اداری و دفتری به حزب کمک کند. اما چند ماه بعد وقتی رهبر حزب، مامور سابق پلیس مخفی آلمان شرقی از آب درآمد، بخت در خانه مرکل را زد. او از طرف حزب مسئول پاسخ‌گویی به سؤالات خبرنگاران در زمینه بحران پیش‌آمده شد و به‌قدری این بحران را خوب مدیریت کرد که در اولین انتخابات دموکراتیک که در آلمان شرقی برگزار شد، به سمت معاون سخنگوی نخست‌وزیر انتخاب شد. پیشرفت بی‌امان مرکل آغاز شده بود. در پایان همان سال و پس از اتحاد دو آلمان، او موفق به کسب یک کرسی در مجلس و همچنین وزارت زنان و جوانان شد.

پس از آنکه «هلموت کوهل»، دبیرکل حزب اتحاد دموکرات مسیحی آلمان، به‌عنوان اولین صدراعظم آلمان متحد انتخاب شد، موقعیت مرکل بهتر هم شد. کوهل آن‌قدر به مرکل علاقه داشت که همیشه او را «خترم» یا Mädchen صدا می‌زد. اما کوهل چندی بعد در مبارزات انتخاباتی‌ی دست به پول‌شویی زد و همین فرصتی را در اختیار مرکل قرار داد تا به «پدرش»! رودست بزند. اعضای



حزب اتحاد دموکرات مسیحی آلمان پس از این اتفاق جرتش را نداشتند حرفی از فساد مالی کوهل بزنند، اما مرکل با جسارتی باورنکردنی بیانه‌ای نوشت و آن را در اختیار روزنامه «فرانکفورتر آلگماینه سایتونگ» گذاشت. در این بیانه، او رسماً خواستار استعفای کوهل شده بود. با این جسارت راهی نبود جز آنکه مرکل دبیرکل حزب شود. بعدها کوهل مرکل را «ماری که در آستینش پرورش داده»، توصیف کرد.

مرکل در سال ۲۰۰۵ و پس از «گره‌دار شرودر»، صدراعظم آلمان شد. ولی در مراسم تحلیف او جای یک نفر خالی بود؛ «یوآخیم زاور»، همسر دانشمند مرکل، که هرگز حاضر نشده نقشی در فعالیت‌های مرکل داشته باشد. یوآخیم مثل همه مردم مراسم تحلیف زنش را از تلویزیون دید؛ آن هم زمانی که مشغول کار در آزمایشگاهش بود. اوایل امسال روزنامه‌نگاران در سفر مرکل به برلین از او پرسیدند همسرش کجاست و او معمولی‌ترین جواب دنیا را داد: «سر کار». مرکل هرگز به محل اقامت رسمی صدراعظم نقل‌مکان نکرد، بلکه او و همسرش در آپارتمانی در برلین زندگی می‌کنند که روی زنگ در، اسم همسرش نوشته شده است. قدرتمندترین زن دنیا بارها در مصاحبه‌های خود گفته است مواقعی که دوست دارد استراحت کند، با همسرش در خانه می‌ماند و برای او غذاهای مورد علاقه‌اش را می‌پزد.

نژادپرستی در راه کاخ سفید

دونالد ترامپ جان شکت‌هاست. او در بازار شکست‌هاست. او در تجارت به‌دلیل استقبال‌نکردن مشتریان از کالاهایش بارها و بارها شکست خورده اما خم به ابرو نیاورده و ادامه داده است. شاید همین روحیه‌اش باعث می‌شود با وجود انتقادهای سخت و گزنده‌ای که این روزها به‌عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری از او می‌شود، به کمپین تبلیغاتی‌اش ادامه دهد. برخی از کارشناسان نامزدی او برای ریاست‌جمهوری را یک «شیرین‌کاری تبلیغاتی» می‌دانند و عزم راسخی برای رئیس‌جمهورشدن در او نمی‌بینند، اما در حال حاضر براساس برخی نظرسنجی‌ها، او کاندیدای محبوب جمهوری‌خواهان است. آمریکایی‌ها دیگر به دیدن تصویر دوباره و دوباره او در اخبار به‌دلیل اظهارات بحث‌برانگیزش عادت کرده‌اند. او یک روز از طرح شبهه‌ناک‌ستی فهرست‌کردن اطلاعات مسلمانان آمریکایی سخن می‌گوید، یک روز به خبرنگاران می‌تازد و روز دیگر به مهاجران مرکزی توهمین می‌کند. البته اینها اولین مواجهه مخاطبان آمریکایی با اظهارات نژادپرستانه ترامپ نیست. شغل اصلی ترامپ اگرچه فعالیت در عرصه املاک و مستغلات است، اما او را یک ستاره هم باید به حساب آورد. ترامپ، مجری برنامه‌ای تلویزیونی در شبکه NBC بود که به‌دلیل اظهارات تند و بی‌پروای وی لغو شد. اما همین حضور رسانه‌ای در کنار تهیه‌کنندگی برنامه‌های مختلف در شبکه NBC، باعث شده او هم در پیاده‌رو مشاهیر هالیوود که هر هنرمند شهر آمریکایی یک ستاره هم باید به اسم خودش دارد، ستاره‌ای داشته باشد. در سال ۲۰۰۷ ترامپ ستاره شماره ۲۳۲۷ پیاده‌رو هالیوود را از آن خود کرد. با وجود این خاطرات شیرین و بهیادماندنی، ترامپ لحظات بسیار سختی نیز در زندگی شخصی‌اش تجربه کرده است که گاهی دست‌مایه رسانه‌ها برای تحقیر و تخریب کاندیدای جمهوری‌خواه ریاست‌جمهوری آمریکا، قرار می‌گیرد. برای مثال، از او با عنوان تنها کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا که یک بازی به اسم خود داشته است، نام برده می‌شود. داستان از این قرار است که برند «ترامپ» در سال ۱۹۸۹ وارد صنعت بازی‌سازی شد و بازی شبیه مونوپولی با اسم «بازی ترامپ» ساخت که به‌خاطر کسل‌کننده‌بودن

ادامه از صفحه ۹

کودک کارمحصول نهایی خرچ‌ه فقراست

خرچ‌ه فقری وجود دارد که روزبه‌روز دارد گروه‌هایی از مردم را بی‌قدرت‌تر و بی‌قدرت‌تر می‌کند. آنها نمی‌توانند مناسبات زندگی خود را در چنگ بگیرند. ما باید روی قدرتمندسازی تأکید کنیم و بدانیم که فقر فرایند بی‌قدرت‌شدن آدم‌هاست. یعنی فقرا روزبه‌روز کاری از دستشان برنمی‌آید و اگر قرار باشد که به قول لائوسن، در رابطه طبقه متوسط و فقیر، طبقه متوسط همچنان عامل کمک به فقرا باشد باید بتواند مناسباتی را طراحی کند که فقرا به سمت استقلال و خودبسندگی حرکت کنند. نقش طبقه متوسط باید این باشد که به فقرا کمک کند تا آنها به قدرت‌های خودشان اتکا کنند.

آیا ما تاکنون چنین رویکردی نداشته‌ایم؟

ما نهادهای متعددی داریم که هر کدام از آنها روی کودکان کار و خیابان کار می‌کنند. از آنها می‌پرسیم که چه می‌کنند؟ به طور معمول می‌گویند که به کودکان یک وعده غذا می‌دهیم و برای آنها کلاس‌های آموزشی و مهارت‌های زندگی برگزار می‌کنیم و نقاشی می‌کنند و در کمترین حالت پناهگاهی دارند تا آنجا بازی کنند. در واقع این نهادها بعد از مدتی به این نتیجه می‌رسند که کمکی نمی‌توانند بکنند. اغلب نهادهای مدنی که در این حوزه فعال‌اند خودشان را در مواجهه با فقر ناتوان می‌بینند. بحث من این حس ناتوانی است. اشکال از جایی است که ما فقط مظاهر فقر را می‌بینم نه خرچ‌ه تولید فقر را، بماند که بعضی از سازمان‌های غیردولتی هم به کسب قدرت بیشتر در این میدان می‌اندیشند و با بیشترکردن خانواده‌های تحت پوشش و شیعات به‌قول خودشان به قدرتمندی می‌افتند. یعنی فقر را بازاری می‌کنند که می‌شود در آن بازار دست‌کم درنکات است که فکر کنیم فقرا باعث کسب آبرو و اعتبار عده‌ای هم در دولت و هم در نهادهای غیردولتی شوند. وقتی یک دستگاه امدادی می‌خواهد بگوید چقدر قدرتمند است فقرای تحت پوشش را می‌شمارد بچای اینکه بگوید چقدر موفق بوده که خرچ‌ه فقر را برای آدم‌ها بشکند. در این شرایط آیا وکشت نیست به این فکر کنیم که چه می‌کنیم و آیا لازم نیست بازنگری کنیم؟ وقتی امواج فقر این همه سهمگین جلو می‌آید آیا ما باید همچنان به نگرش بخشندگی‌های خُرد ادامه دهیم؟ من فکر می‌کنم آدم‌ها باید در مناسباتی قرار بگیرند که از بیچارگی به چاره‌داشتن وصل شوند.

فکر می‌کنید حالا آن قدر تجربه داریم که از آزمون و خطا به سمت تأثیرگذاری برویم؟
وقتش رسیده که تجربه‌ها را روی هم بگذاریم و فکر کنیم که چه می‌شود کرد. هدف را بگذاریم روی قدرتمندسازی مردمان حاشیه و بیرون آوردن فقرا از فرآیندی که روزبه‌روز بی‌قدرت‌ترشان می‌کند. این استراتژی مهمی است. استراتژی مهم دیگر این است که به قدرتمندسازی جمعی فقرا فکر کنیم. کارهای مردمسوی می‌که دو دهه است می‌کنیم اگر سه دهه دیگر هم ادامه پیدا کند، کمک جدی به کاهش فقر نمی‌کند. دولت روز به روز از سیاست‌های حمایتی که قبلاً برعهده داشته، دارد عقب می‌کشد. دغدغه دولت سرمایه‌گذاری و رشد است و سروت‌ه مجاری فقر را با تعدادی سازمان ضعیف مثل بهزیستی به هم می‌آورد. در چنین شرایطی البته بخشی از جامعه باید بود و از دولت دراین‌باره سؤال کند و او را وادار اقداماتی در زمینه تغییر قانون و… انجام دهد، چون دولت موظف است که هزینه‌های سیاست‌های اقتصادی خودش را بدهد. ولی بخش مهم دیگر جامعه باید فکر کند که چگونه با فقر مواجه شود. اگر همه اقدامات ما تاکنون برای این بوده که تغییر اجتماعی ایجاد کنیم، باید بدانیم که موفق نبوده‌ایم و باید فکرها را تازه‌ای کنیم.

یک ایده

ترامپ خودرامی‌پرستد

دونالد ترامپ، نامزد جمهوری‌خواهان برای انتخابات سال آینده ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا هراب را اظهارنظری می‌تواند واکنش بسیاری از جهانیان را به همراه داشته باشد. آخرین توهمین او به مسلمانان توانست احساسات بسیاری را جریحه‌دار کند و آنان را به واکنش وادار د زاگربرگ و رولینگ تا کلی، قهرمان سابق مسلمان مشت‌زنی دنیا.

«محمدعلی کلی» با اشاره به توهمین ترامپ به مسلمانان گفت: «ما مسلمانان باید در مقابل آن دسته از افرادی که می‌خواهند از اسلام برای پیشبرد منافع شخصی خود استفاده کنند و مانع درک بسیاری از افراد از اسلام شده‌اند، ایستادگی کنیم».

کلی افزود: «مسلمان واقعی می‌داند و باید بداند مذهب ما مخالف آن است کسی را به زور به گرویدن به دین اسلام وادار کند». قهرمان سابق مشت‌زنی دنیا با اشاره به قتل‌عام پاریس، گفت: «من مسلمان هستم و اعلام می‌کنم قتل‌عام مردم بی‌گناه در سن‌برناردیو، پاریس یا هر جایی دیگر در دنیا، ربطی به مسلمانان ندارد؛ مسلمانان حقیقی می‌دانند مسلمانان این گروه‌های افراطی با اصول اعتقادی ما در تضاد است».

«مارک زاگربرگ»، بنیان‌گذار فیس‌بوک، نیز با دفاع از حقوق مسلمانان، تصریح کرد: مسلمانان نباید به خاطر اقداماتی که دیگران مرتکب شده‌اند، مورد آزار و اذیت قرار گیرند.

او در صفحه فیس‌بوک خود نوشت: «جامعه مسلمانان نباید در پی حملات پاریس یا دیگر حملات مرتبط با افراطی‌گراها در هر کجای دنیا با تبعیض روبه‌رو شوند». به گزارش اسوشیتدپرس، جی کی رولینگ، خالق «هری پاتر»، هم گفت: «ولدمورت شخصیت حیثیت این مجموعه، به اندازه دونالد ترامپ، نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا، بد نبود». رولینگ با مقایسه «ولدمورت» با «اسمشو نبر» با دونالد ترامپ، در توئیتر نوشت: «ولدمورت هیچ‌وقت این‌قدر بد نبود». رولینگ در پاسخ به گزارش بی‌بی‌سی درباره تعداد توئیت‌هایی که ترامپ را با «ولدمورت» یا «لرد سیاه» مقایسه کرده‌اند، چنین توئیتی نوشت.

سخنان اخیر این میلیاردر آمریکایی با شخصیت و نظرات ولدمورت در شبکه‌های اجتماعی مقایسه شد اما توئیت رولینگ هم پاسخ‌های زیادی گرفت و برخی از طرفداران «هری پاتر» حتی از شخصیت ولدمورت در برابر ترامپ دفاع کردند و برخی دیگر او را با داولرس اسمیرج (یک شخصیت منفی دیگر در مجموعه «هری پاتر») مقایسه کردند. او از سوسی وزارت جاسود هنرهای سیاه را در مدرسه جادوگری هاگوارتز درس می‌داد و برای این کار دانش‌آموزانش را شکنجه می‌کرد.

ترامپ اعلام کرده بود باید همه مرزهای آمریکا به روی مسلمانان بسته شود و این حرف را در پاسخ به کشاری که یک زوج مسلمان در سن‌برناردیو انجام دادند، مطرح کرد. ترامپ در سخنرانی‌های قبلی‌اش هم خواستار این شده بود که همه مسجدها در سراسر آمریکا تحت نظر باشند و ادعا کرده بود مسلمانان نیوجرسی بوند که حادث ۱۱ سپتامبر را شکل دادند.

حرف‌های اخیر دونالد ترامپ از سوی هر دو حزب سیاسی آمریکا با اعتراض شدید رویه‌رو شده و هم جب پوش، جمهوری‌خواه، او را دیوانه خوانده و هم هیلاری کلینتون، دموکرات او را متعصب و تفرقه‌انداز نامیده است.

چندی قبل نیز بی‌بی‌سی ۱۰ نظر جنجالی دونالد ترامپ را در این مدت جمع کرده بود، البته او در این مدت نظرات جانش‌برانگیز دیگری هم داشته است ازجمله ابله‌خواندن اوپاما.

۱) مسجدهای آمریکا باید تحت نظر باشند. ترامپ می‌گوید ضابطان قانونی در قالب یک طرح ضدتورریسم باید مسلمانان را ردگیری کنند. می‌گوید برایش اهمیتی ندارد که بعضی‌ها حرفش را با ادبیات سیاسی راجح نامتناسب بدانند.

۲) آمریکا باید از «القای حس خفگی با آب» استفاده کند. ترامپ معتقد است این شیوه و دیگر موارد «بازجویی سخت» در مبارزه با داعش مشروع است. می‌گوید این کارها در مقابل کارهایی که آنها می‌کنند، از جمله سر بریدن، «هیج» است.

۳) باید داعش را «با بمب صاف کرد». ترامپ می‌گوید هیچ‌یک از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا به اندازه او به داعش سخت نخواهند گرفت. می‌گوید این گروه با قطع دسترسی‌شان به نفت تضعیف می‌شود.

۴) باید یک «دیوار بزرگ بزرگ» بین آمریکا و مرکزی کشید. ترامپ باستند است مرکزی‌هایی که به آمریکا می‌آیند موموا مجرمند و باید جلو ورود آنها و سواری‌ها را گرفت. می‌گوید: «آنها موادمخدر می‌آورند، جنایت می‌آورند. همه تجاوزکارند». معتقد است هزینه ساخت دیوار را هم – که به تخمین بین دو تا ۳ میلیارد دلار می‌شود – مرکزی بپردازد!

۵) همه ۱۱ میلیون مهاجر غیرقانونی باید اخراج شوند. این رقم باستند مقام‌های آمریکایی است، که سه برنامه او را بیگانه‌هراسی و به لحاظ مالی غیرقابل‌اجرا خوانده‌اند. تخمین این است که چنین کاری ۱۱۴میلیارد دلار هزینه دارد. ترامپ می‌گوید علاوه‌براین «حق شهروندی به خاطر تولد» باید لغو شود. طبق این قانون، به فرزند مهاجر غیرقانونی که در خاک آمریکا به دنیا بیاید، شهروندی اعطا می‌شود.

۶) به‌والدیمیر پوتین «رفیق می‌شوم». ترامپ در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان گفت اوپاما و بوتین آن‌قدر از هم بدشان می‌آید که نمی‌توانند مذاکره کنند، اما «من احتمالا با او رفیق می‌شوم. و در آن صورت این مشکلاتی که حالا داریم، نخواهیم داشت».

۷) چین را باید بازخواست کرد. ترامپ معتقد است باید به چین فشار آورد که تراز بازرگانی‌اش با آمریکا را تعدیل کند. می‌گوید اگر انتخاب شود چین را وادار می‌کند سیاست پایین نگه‌داشتن ارزش پولش را کنار بگذارد و استانداردهای محیط‌زیستی و رفا کارگزارنش را بالا ببرد.

۸) تغییرات اقلیمی همان «آب‌وهوا»ست. ترامپ می‌گوید «آب تمیز» و «هوای پاکیزه» مهم است، اما آنچه فراتر از این به‌عنوان علم تغییرات اقلیمی می‌گویند، «الکی» است. معتقد است محدودیت‌های محیط‌زیستی مزیت رقابتی شرکت‌ها را در بازار جهانی کم می‌کند.

۹) اگر صدام و قذافی هنوز سر کار بودند، دنیا جای بهتری بود. ترامپ به سی‌ان‌ان گفت وضع لیبی و عراق «به‌مراتب بدتر» از زمانی است که این دو دیکتاتور زنده و در قدرت بودند.

۱۰) آدم «حقیقتا خوبی» است! ترامپ در آخرین کتابش به نام «آمریکای فلج» می‌نویسد: «من حقیقتا آدم خوبی هستم، باور کنید. خوشحالم که آدم خوبی هستم. درعین‌حال عزم کرده‌ام عظمت را به کشورمان برگردانم».